

## ارزیابی تطبیقی میزان عدالت جنسیتی با رویکرد ارتقاء توانمندسازی زنان در بهره‌گیری از فضای شهری با تأکید بر مفهوم سقف شیشه‌ای (مطالعه موردی: شهر قزوین)

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۰/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۱/۰۲/۰۵

رحیم‌هاشم‌پور\* (دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین)  
الهام کاکاوند (دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین)

### چکیده

شهر و فضای شهری به عنوان یکی از فراگیرترین پدیده‌های اجتماعی است. بهره‌وری و مطلوبیت فضاهای شهری، موضوع مهمی است که باید در هر مطالعه‌ای که زندگی روزمره زنان و مردان را مدنظر قرار می‌دهد، مورد توجه قرار گیرد. نیاز به حضور در فضا برای همه گروه‌ها فارغ از جنسیت، سن، سطح درآمد، شغل و... امری ضروری است. حضور زنان در فضای شهری، به اندازه مردان، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عدالت شهری است. بنابراین در این مقاله با هدف ارزیابی میزان عدالت جنسیتی در فضای شهری، از روش توصیفی-تحلیلی و نرم‌افزار Spss در تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده و همچنین با به کارگیری آزمون‌های آنالیز واریانس یک‌طرفه و آزمون توکی در گروه‌بندی مؤلفه‌ها به ارزیابی هرکدام پرداخته شده است و تعداد ۳۶۸ پرسش‌نامه (در قالب طیف لیکرت) در هر یک از مناطق سه‌گانه شهر قزوین توزیع شده است. در طراحی پرسش‌نامه‌ها به طور ضمنی مفهوم سقف شیشه‌ای و هنجارهای فضای شهری برای زنان در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد بهره‌برداری از فضای شهری در سطح منطقه دو شهر قزوین برای زنان در نسبت با سایر مناطق بیشتر است.

**واژه‌های کلیدی:** عدالت جنسیتی، زنان، فضای شهری، سقف شیشه‌ای، قزوین.

## ۱- طرح موضوع:

شهر عرصه اجتماعی است و امروزه بهره‌وری از فضای شهری با هدف تحقق عدالت جنسیتی یکی از شاخص‌هایی است که به عنوان معیار توسعه جنسیتی و نیز توانمندسازی زنان مورد توجه قرار می‌گیرد. امروزه برنامه‌ریزان در سطح خرد و کلان با اهمیت نقش زنان در پیشبرد اهداف جامعه واقف شده‌اند. با این حال گاهی شرایط فرهنگی و هنجارهای اجتماعی همچنان علایقی را در سطح جامعه به نمایش می‌گذارد، که مانع ارزش‌گذاری فعالیت زنان در جامعه می‌شود. فضاهای شهری، مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق داشته، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نبوده و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنا می‌یابند. (کاشانی جو، ۱۳۸۹) فضاهای عمومی، محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هستند. روابط اجتماعی پایداری که درون فضاهای عمومی برقرار می‌شوند، زمینه‌ی پایداری اجتماع را فراهم می‌کنند. (گلچین و مفاخری، ۱۳۹۶) با این حال فضاهای عمومی جنسیتی هستند. (غنام، ۱۳۹۲) مردان آزادی بیشتری در رفت و آمد و دسترسی به فضاهای عمومی دارند؛ در حالی که زنان به دلایلی از جمله نحوه پوشش، فیزیولوژی و سایر ویژگی‌های زنانه دارای محدودیت بیشتری بوده و فعالیت‌شان در فضاهای شهری محدود به زمانهای خاصی است. (مک داول، ۱۳۹۲) هر چند در سال‌های اخیر، حضور زنان در جامعه‌ی ایران در قالب فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی پر رنگ‌تر شده، اما همچنان نسبت به دیگر کشورها دارای جایگاه مناسبی نیست (پرتو و فراش خیابانی، ۱۳۹۷) بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان به‌طور یکسان با مردان از فضای شهری بهره‌مند نمی‌شوند (رفیعیان و ضابطیان، ۱۳۸۸) زنان و بسیاری از اقشار و گروه‌های اجتماعی نه تنها از حق طبیعی خود، یعنی بهره‌مندی از فضاهای عمومی شهر محروم‌اند، بلکه به دنبال آن از سهم شدن در فرایند مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی نیز باز می‌مانند (ضابطیان، ۱۳۸۹) آزادی حرکت زنان در شهر به روش‌های متعددی محدود می‌شود که موانعی را بر سر تحرک و جنب و جوش آنها در شهر پدید می‌آورد. سؤال مهم آن است که چه محدودیت‌هایی نسبت به زنان در جامعه وجود دارد که بهره‌وری آنان را از فضای شهری تحت تأثیر قرار داده است و آیا این محدودیت‌ها در مناطق مختلف شهری متفاوت است؟ بنابراین در این پژوهش در راستای رسیدن به این مهم، در مناطق سه‌گانه شهر قزوین پرسش‌نامه با موضوع بررسی مفهوم سقف شیشه‌ای و چالش‌های روبروی زنان در استفاده از فضای شهری توزیع شده است تا علاوه بر اینکه از دیدگاه زنان به این مسأله نگاه شود و محدودیت‌ها و چالش‌های آنان در بهره‌وری از فضای شهری نیز شناسایی شود تا بدین‌وسیله تفاوت عدالت جنسیتی در فضای شهری در نمونه مطالعاتی مورد پژوهش قرار گیرد و بتوان گام‌های مؤثری در جهت ارتقاء کیفیت فضاهای شهری و ارتقاء عدالت جنسیتی برداشت.

## ۲- ادبیات نظری پژوهش:

### ۲-۱- شهر و فضای شهری

از نظر ارسطو، فضا مجموعه‌ای از مکان‌هاست و زمینه‌ای است پویا با اعراض کیفی متفاوت. این اعراض و آن زمینه، فضا را با اصالت عمل تنظیم کرده و اسلوب می‌بخشد (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۴). فضای شهری درواقع چیزی نیست جزء فضای زندگی روزمره شهروندان که هر روز به صورت آگاهانه و ناآگاهانه در طول راه از منزل تا محل کار ادراک می‌شود (پاکزاد، ۱۳۷۶). همچنین فضای شهری ساختاری سازمان‌یافته و واجد نظم که بصورت بستری کالبدی برای فعالیت‌های انسانی درآمده و قابلیت حمل روابط اجتماعی و اهداف فرهنگی را داراست (شیخی، ۱۳۸۰). بعضی معتقدند فضا امکانات و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند که مردم براساس معیارهای فرهنگی خود آن را انتخاب می‌کنند. (تولایی، ۱۳۷۲) فضای شهری به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مفهوم فضا، از مقوله‌ی فضا مستثنی نیست. بدین معنی که ابعاد اجتماعی و فیزیکی شهری پویا با یکدیگر دارند. در واقع فضای شهری مشتمل دو فضای اجتماعی و فیزیکی می‌شود. (مدنی‌پور، ۱۳۷۹)

فضای شهری به مفهوم صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن‌ها به وقوع می‌پیوندند. خیابان‌ها، میداين و پارک‌های یک شهر فعالیت‌های انسانی را شکل می‌دهند. این فضاها پویا در مقابل فضاها ثابت و بی‌تحرک محل کار و سکونت اجزای اصلی و حیاتی یک شهر را تشکیل داده. شبکه‌های حرکت، مراکز ارتباطی، و فضاها عمومی بازی و تفریح را در شهر تأمین می‌کنند. (بحرینی، ۱۳۷۷) فضایی است برای سیاست، مذهب، دادوستد و ورزش. فضایی برای همزیستی مسالمت آمیز و برخوردهای غیرشخصی در واقع می‌توان فضاها شهری را معادل عرصه‌های عمومی نیز توصیف نمود (صالحی، ۱۳۸۷).

### ۲-۲- جنسیت و عدالت جنسیتی

در حدوده دهه ۱۹۸۰ به تدریج تفکر زن در توسعه با چالش‌های جدی مواجه شد و اصطلاح جنسیت و توسعه که بیانگر رویکرد فمینیستی سوسیالیستی است، جایگزین شد. (زعفرانچی، ۱۳۸۵) در سده بیستم، پس از لیبرالیست‌های کلاسیک، فمینیست‌ها کوشیدند در اسناد بین‌المللی، با تمرکز بر واژه تبعیض، برابری و عدالت را دو معنای مترادف بشناسانند. در اسناد زنانه متعددی این تغییر را نشان می‌دهند. به طور مثال در کنوانسیون محو تبعیض، در ماده اول تفاوت‌ها بر معنای نقش زن در تاهل را تبعیض دانسته، در همه مواد از برابری، به عنوان مفهومی مقابل همین معنا دفاع کرده‌اند (کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، مواد ۱ و ۵) بر همین اساس، در اسناد متعدد بین‌المللی، بارها به این آموزه اشاره و تصریح شده است که

برابری جنسیتی هدف اصلی و نیازمند برنامه و ایجاد معارت، تغییر و ابزار و تمرین است. در بخش آموزش و تربیت برابری جنسیتی در بخش زنان سازمان ملل گزارش مبسوطی از زمینه‌های لازم برای ایجاد توسعه بر مبنای برابری جنسیتی می‌دهد که بیشتر شامل عرصه‌های اجتماعی است (Lombardo, 2005). "دیدگاه جنسیت و توسعه" که با دیدگاه "برابری ولی متفاوت" معروف است؛ بر این نکته تأکید دارد که نیازهای زنان و مردان باید به طور همزمان و جدایی‌ناپذیر مرتفع شود. با این دیدگاه با قبول متفاوت بودن، بر مکمل بودن نقش آنها تأکید می‌کند. بنابراین قائل به این است که باید طرح‌های توسعه و فضاهای شهری به صورت مکمل و حساس به جنسیت و با توجه به روابط زنان و مردان با یکدیگر طراحی شوند. (زعفرانچی، ۱۳۸۵) اصل اساسی در این دیدگاه برقراری برابری و عدالت میان زن و مرد است. (هانت، ۱۳۸۸) جنسیت و توسعه، اگرچه برابری جنسیتی را آرمان خود می‌داند، اما آن را از مسیرهای برابری پیگیری نمی‌کند، بلکه علاوه بر سیاست‌های عموم، بر اجرای سیاست‌های خاص جنسیتی تأکید می‌کند. (گرامی‌زادگان، ۱۳۸۳)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد به رفع تبعیض و ایجاد امکانات مساوری در همه زمینه‌ها برای افراد تأکید کرده است و در اصل ۲۱، با عنوان حقوق زنان، آمده است که دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید. این اصل حمایت از حقوق زنان را به سمت فضای خصوص، خانه و خانواده سوق می‌دهد. با توجه به اینکه مردان نسبت به زنان از نظر اقتصادی توانایی بیشتری دارند، زنان را موجوداتی جدا از متن جامعه فرض شده‌اند که به حمایت دولت نیازمند. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

در دو مجموعه قانون مجازات اسلامی و قانون خانواده، به زن و مرد از دو جنبه توجه شده است و حقوق و مسئولیت‌های این دو از دو منظر زیر مورد توجه قرار گرفته است:

- ۱- از جهت انسانیت مشترک، به این معنی که برای زن و مرد حقوق یکسان مد نظر است.
  - ۲- از جهت جنسیت متفاوت، یعنی به دلیل جنسیت متفاوت، دارای حقوق متفاوتی هستند.
- این موضوع از آن رو مهم است که از یک سو عدالت جنسیتی در فقه سیاسی، اجتماعی اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد و از سوی دیگر، حوزه عمومی و اجتماعی برای زنان روز به روز رجحان بیشتری پیدا می‌کند.

در حالی که عدالت واژه‌ای است که به ظاهر، همگان در فهم آن تفاهم دارند، مباحث در خصوص آن تا حدی پیچیده است که توافق بر گزاره‌های به دست آمده مشکل به نظر می‌رسد. متون قدیمی‌تر نشان می‌دهد که فهم مشترکی از عدالت به عنوان ابزاری برای دیدن نابرابری‌ها، از جمله نابرابری میان دو جنس، وجود داشته است. متون جدید اختلاف در تعریف و معیار

برابری و نابرابری درباره آن را باز می‌نمایند. این اختلاف ممکن است اختلاف درباره معنای تبعیض، اهمیت یافتگی برابری در هر شرایطی، و حدود و اصل عدم تبعیض برمی‌گردد. در طول تاریخ، تعداد کسانی که به تقدم و برتری عدالت بر سایر ارزش‌ها باور داشتند، کم نیستند در این نگرش عدالت به عنوان یک امر اخلاقی، بهتر و برتر از همه امور سیاسی و اخلاقی دیگر است. (مایکل سندل، ۱۳۹۳)

عدالت جنسیتی مستلزم تحلیل تأثیر همه دخالت‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای بر روابط جنسیتی و بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه است تا به نحو مناسبی علاقه‌ها و واقعیت‌های متفاوت مردان و زنان در نظر گرفته شود. برای تحقق عدالت جنسیتی دو رویکرد کلی در برنامه‌ریزی توسعه‌ای مطرح است:

الف) رهیافت بی‌طرفی جنسیتی که در آن برنامه‌های توسعه نگاه جنسیتی ندارند. در چنین برنامه‌هایی، میان زنان و مردان تفاوتی در مشارکت و برخورداری از منافع وجود ندارد و در آنها هیچ‌گونه مواد قانونی خاص زنان دیده نمی‌شود.

ب) رهیافت حساسیت جنسیتی که در آن برنامه‌های توسعه با دیدگاه جنسیتی و برابرگرایانه متناسب با شرایط کشورها تنظیم می‌شود و حتی گاه با هدف کاهش تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسیتی، برنامه‌های توسعه‌ای خاص جمعیت زنان تدوین می‌شود. (شادی‌طلب، ۱۳۸۱)

زنان یکی از کنشگران اجتماعی‌اند که در فضای شهری سهم عمده‌ای دارند. شکاف‌های جنسیتی در ایران از طیف وسیعی از عوامل و زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی است. هرچند ادعای برابری دو جنس در حقوق اجتماعی و انسانی به نحو فراگیری در حال پذیرش است، اما بین پذیرش عقلانی و اجرای آن در عمل فاصله بسیاری وجود دارد. هنوز نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه ما مردسالارانه است و متأسفانه این ارزش‌ها تقریباً تمامی حوزه‌های حیات اجتماعی و فردی اعضای جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده است. در این پژوهش با توجه به شرایط و ویژگی‌های فضاهای شهری محدوده مطالعاتی و با توجه به این مهم که زنان منبع انسانی بالقوه مهمی در توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی کشورند، و توجه به مسیر پیشرفت و حضور آنان در فضای شهری ضرورت دارد، رهیافت دوم مبنای کار پژوهش قرار می‌گیرد.

## ۲-۲-۳- زنان و نظریه سقف شیشه‌ای

سقف شیشه‌ای اصطلاحی است که در دهه ۱۹۷۰ در آمریکا برای توصیف موانع مصنوعی نامرئی ناشی از تعصبات و تبعیضات سازمانی و دیدگاهی ابداع شد، موانعی که در عمل زنان را از رسیدن به مناصب و موقعیت‌های عالی باز می‌دارد. استعاره‌ای است از موانع نامرئی بر سر راه

پیشرفت زنان و اقلیت‌ها که معمولاً وجود این موانع را مردان و گروه‌های در اکثریت انکار می‌کنند. این استعاره را اولین بار فمینیست‌ها برای اشاره به موانع بر سر راه پیشرفت شغلی زنان و رسیدن به مدارج بالای هرم به کار بردند. اگرچه این اصطلاح در آمریکا بیشتر درباره زنان به کار می‌رود، اما گه گاه در مورد مردان اقلیت‌های نژادی/قومی هم به کار رفته است. جایی که زنان می‌توانند بالاتر از جایگاه خود را ببینند اما امکان دسترسی با آن را ندارند (دادپور، ۱۳۹۰) سقف شیشه‌ای، یک سقف یا دیوار در یک نقطه یا مکان نیست، بلکه شکل‌های متفاوت از تعصبات جنسیت است که اغلب به طور آشکار و پنهان خود را نشان می‌دهد.

(۱) عوامل سازمانی مانند قوانین دولتی، ویژگی‌های شغلی، محیط کاری و تجربه کاری است.  
 (۲) موانع نگرشی مانند ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، کلیشه‌ها و تعصبات آگاهانه و ناآگاهانه که در ذهن مردم ایجاد شده است. در این راستا توجه به مقوله کارآفرینی و نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در ارتقای توانمندسازی زنان به عنوان مهم‌ترین راهکار اشاره می‌شود.

### عوامل پدید آورنده سقف شیشه‌ای

#### ۱- کلیشه‌ها:

یکی از مهمترین موانع زنان، کلیشه‌های جنسی است. کلیشه نوعی تفکر است که همه زنان را یکسان فرض کرده و بین آنها تفاوتی قائل نمی‌شود. به علت رواج کلیشه‌های جنسیتی، افراد به طور عموم معتقدند که مردان و زنان از بسیاری جهات؛ مانند خصیصه‌های شخصیتی، ویژگی‌های جنسیتی (حداقل تا حدی) در جهان یکسان است. نمونه‌ای از این فرضیه‌های کلیشه‌ای منفی عبارتند از:

- زنان تمایل دارند تا وظایف خانوادگی را مقدم بر ملاحظات کاری قرار دهند. آنها باید از فرزندان خود مراقبت کنند، بنابراین، زمان و اشتیاق به کار خود را از دست می‌دهند.
- زنان برای درآمد اضافی کار می‌کنند، به همین دلیل شور و شوق لازم را برای موفقیت در کسب و کار ندارند
- زنان به جای اینکه بازخورد منفی را حرفه‌ای تلقی کنند، از آن برداشت شخصی می‌کنند.
- زنان برای پست‌های عالی مدیریتی مناسب نیستند؛ زیرا بیش از حد احساسی و فاقد پرخاشگری اند.

هر چند ممکن است این فرضیه‌ها در مورد زنان زیادی درست باشد، اما جای تردید وجود دارد به طور دقیق زنانی را توصیف کند که تصمیم دارند حرفه مدیریت را دنبال کنند.

#### ۲- شبکه‌های ارتباطی

زنان در مقایسه با مردان تعاملات کمتری با افراد قدرتمند داشته و به مرکزیت شبکه‌های قدرتمند، دور هستند و از آنجا که دسترسی به شبکه‌های قدرتمند، رابطه مثبتی با ارتقا دارد؛

فقدان فرصت دسترسی به چنین شبکه‌هایی منجر به سقف شیشه‌ای برای زنان می‌شود، به عبارتی زنان به طور عمده منزوی بوده و از شبکه‌های ارتباطی غیررسمی محروم هستند.

۳- ارزش گذاری به کار زنان

سازمان‌ها از همه مدیران چه زن و چه مرد انتظار دارند تا عملکردشان عالی باشد؛ اما عملکرد زنان از اهمیت خاصی برخوردار است. کار کردن در حد و اندازه‌ای بیش از حد انتظار مردان، راهبردی بوده که مدیران موفق آن را به کار برده‌اند.

## ۲-۲-۴- توانمندسازی زنان

از توانمندسازی تعاریف متعددی ارائه شده است. در ادبیات مربوطه برای تعریف این مفهوم با گستره‌ای وسیع از مفاهیمی نظیر حق انتخاب، کنترل داشتن و دسترسی با منابع و احساس استقلال، اعتماد با نفس و غیره اشاره شده است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶). توانمندسازی اصطلاحی است برای توصیف هموار کردن راه خود یا دیگران برای تلاش در جهت دستیابی به اهداف شخصی. توانمندسازی یعنی مردم باید با سطحی از توسعه فردی دست یابند که با آن‌ها امکان انتخاب براساس خواسته‌های خود را بدهد.

توانمندسازی زنان با این معنی است که (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲)

- آن‌ها بر شرم بی مورد خود فائق آیند

- کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد

- قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند

- به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند

- قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند

- از اهداف مورد نظر و توان عملی ساختن آن شناختی دقیق داشته باشند

- بتوانند با افزایش توانمندی خویش با هدف‌های مورد نظر دست یابند

طبق دیدگاه آگومه، توانمندسازی زنان با معنای دستیابی بیشتر زنان با منابع و کنترل

بر زندگی خود تعریف شده که موجب احساس استقلال و اعتماد بنفس بیشتری در آن‌ها می‌شود. از منظری دیگر، تواناسازی یک زن با این مفهوم است که وی برای انجام برخی از کارها، توانایی جمعی پیدا می‌کند؛ این امر با رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر می‌شود و یا در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه مؤثر واقع می‌گردد. (عباس‌زاده، ۱۳۹۴) برای دریافت بهتر اهمیت مفهوم توانمندسازی زنان، به نظر می‌رسد آشنایی با برخی از شاخص‌های سنجش درجه توسعه یافتگی جوامع که به عامل جنسیت نیز عنایت دارند، ضروری باشد:

### الف) شاخص توسعه انسانی (HDI یا Human Development Index)

به این ترتیب سازمان ملل متحد در هر سال به محاسبه «شاخص توسعه انسانی» برای تک تک کشورها می‌پردازد که در محاسبه این شاخص، میانگینی از شاخص‌های مختلفی چون متوسط درآمد سرانه، میزان بهره‌مندی شهروندان از امکانات بهداشتی و نیز آموزشی، نابرابری درآمدی و نیز نابرابری در دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزشی در نظر گرفته می‌شود. همچنین یکی از پارامترهای مهم مربوط به سنجش نابرابری موجود در هر کشور در زمینه دسترسی به آموزش و بهداشت، به نابرابری موجود بین زنان و مردان در دسترسی به این امکانات مربوط می‌شود.

### ب) شاخص توسعه جنسیتی (GDI یا Gender Development Index)

در سال ۱۹۹۵ دفتر برنامه‌ریزی توسعه سازمان ملل متحد به انتشار شاخصی تحت عنوان شاخص توسعه جنسیتی در گزارش سالانه خود اقدام کرد (GDI) میانگین سه شاخص است که تفاوت جنسیتی را در سه زمینه امید به زندگی در بدو تولد، نرخ باسوادی و همچنین درآمد بررسی می‌کند.

### ج) شاخص توانمندسازی زنان (Gender Empowerment Measure)

این شاخص نیز به صورت میانگین سه شاخصی محاسبه می‌شود که هر یک به نحوی بیانگر اهمیت حضور زنان در جامعه است. این شاخص درصد زنان در پارلمان نسبت به مردان و نسبت زنان در میان مدیران ارشد، مدیران و متخصصان و کارکنان فنی، تولید ناخالص زنان نسبت به مردان و همچنین نسبت سرانه سهم زنان و مردان از درآمد ناخالص ملی را در بر می‌گیرد.

به اعتقاد پژوهشگران، تواناسازی اشاره به فرایندی دارد که طی آن افراد نسبت به منافع خود آگاه شده، شرایطی که آنها را محدود نموده و از حق خود محروم می‌سازد را شناسایی نمایند. افراد پس از شناخت دقیق خود و شناسای موانع رسیدن به آن، راه‌هایی را اتخاذ نمایند تا بدون پایمال کردن حقوق دیگران کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند. برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌باشد، طی کرد:

- رفاه: در این مرحله رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می‌شود. در اینجا توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مدنظر قرار می‌گیرد.
- دسترسی: در این مرحله زنان باید به عوامل تولید (زمین، کار و سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزش مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد و محصول و دسترنج خود دسترس داشته باشند.



- آگاهی: در این مرحله زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آنها ناشی از کمبودهای شخص‌شان نیست، بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیت مربوط به فرهنگ بوده و قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنای باورداشتن برابری است.
- مشارکت: در این مرحله زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند. مشارکت آنها باید با تعداد و شمار آنها در جامعه متناسب باشد.
- برابری در کنترل: که به توازن قدرت میان زنان و مردان اشاره دارد.
- یک الگوی سه مرحله‌ای برای رشد خودآگاهی پیشنهاد می‌شود که ترکیبی از هر سه مرحله احساس مقتدر بودن را به وجود می‌آورد. اول، آگاهی شناختی از علائق خود شخص و موقعیت او با توجه به آگاهی از غلبه سیستم‌های اجتماعی که در قدرت و ارتباط فرد با سیستم سهیم است. دوم، احساس کارآمدی نسبت به آگاهی شناختی به خوبی احساسی که در ارتباط با دیگران دارد سوم، شناخت هدف نسبت به تغییر در توزیع اجتماعی قدرت و به تبع آن بهبود شرایط اجتماعی و رشد علائق خود شخص نسبت به برابری هرچه بیش‌تر.
- امید است زنان با آگاهی و توانمندسازی خود، بتوانند به ارتقاء کیفیت محیط و فضاهای زندگی خود نیز کمک نمایند و فضای شهری نیز بستری مناسب برای به شکوفایی رسیدن توانایی زنان و حضورپذیری از آنها باشد.

## ۲-۵- معیارها و شاخص‌های ارزیابی (مدل نظری پژوهش)

در بین ادبیات نظری پژوهش، رویکردهای مختلفی برای بررسی و مطالعه میزان عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری مطرح است؛ این پژوهش از آنجا که مفهوم عدالت جنسیتی را با توجه به شرایط حاکم بر جامعه مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ رهیافت حساسیت جنسیتی را برگزیده و با دیدگاه جنسیتی و برابرگرایانه متناسب با شرایط شهر مطالعاتی و با هدف کاهش تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسیتی، معیارها شاخص‌های ارزیابی تدوین شده است. همچنین از آنجا که با تأکید بر رویکرد سقف شیشه‌ای برای زنان پیش می‌رود و در مطالعه مفاهیم و مبانی نظری به هنجارها، کلیشه‌ها و الگوهای فرهنگی حاکم بر جامعه توجه شده است و در مضمون سؤالات پرسش‌نامه‌ها نیز به این مهم توجه شده است تا بتوان در ضمن افزایش آگاهی، رفاه، دسترسی زنان به فضاهای شهری و بسیاری عوامل دیگر، به توانمندسازی آنان نیز کمک شود و به طور کلی بتوان ارزیابی از میزان عدالت جنسیتی در فضاهای شهری محدوده مورد مطالعه رسید.



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی ارزیابی میزان عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری مأخذ: نگارندگان

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق، پژوهشی توصیفی-تحلیلی و از شاخه مورد پژوهی می‌باشد. توصیفی است؛ چرا که شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است (سرمد، ۱۳۸۱: ۸۲). و تحلیلی است، زیرا به بررسی تطبیقی مؤلفه‌های بهره‌مندی زنان از فضای شهری و عدالت جنسیتی در محیط شهری، براساس روش‌های تحلیلی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های مختلف آنالیز واریانس یک طرفه و آزمون توکی در گروه‌بندی می‌پردازد. آنالیز واریانس یکطرفه عبارتست از انجام یک سری عملیات جبری که به‌وسیله آن می‌توان مقدار کل تغییرات یا اختلافات موجود در یک آزمایش را به اجزای مختلف تقسیم کرد و به عبارت دیگر در این آزمون معنی‌دار بودن تفاوت میانگین‌ها و نتیجه گرفته می‌شود و در آزمون توکی به این سؤال پاسخ داده می‌شود که کدام منبع با دیگر منابع تفاوت دارد و میزان این اختلاف‌ها در چه سطحی است (علی‌محمدی و پوررستم، ۱۳۹۰: ۲۸). در زمینه جمع‌آوری اطلاعات در خصوص مفاهیم اصلی پژوهش از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. داده‌ها و اطلاعات حاصل از پیمایش، پرسشنامه، مصاحبه و نظر سنجی از زنان در جهت سنجش سؤالات و بررسی فرضیات پژوهش در محدوده مورد نظر به کار گرفته شده است. لازم به ذکر است که پرسش‌نامه حاوی سؤالاتی از زنان در محدوده با مفهوم

ضمنی سقف شیشه‌ای و معیارهای مدل نظری پژوهش و بر مبنای طیف ۵ مقیاسی لیکرت از کاملاً ناراضی تا کاملاً راضی تنظیم شده است.

### حجم جامعه و نمونه مطالعاتی

در پژوهش حاضر جامعه مطالعاتی از میان جمعیت شهر قزوین که در سال ۱۳۹۵ معادل ۳۸۱۵۹۸ نفر بوده‌اند و در مناطق سه گانه این شهرانتخاب شده‌اند، جدول زیر حجم جامعه و نمونه مطالعاتی در مناطق سه‌گانه شهر قزوین را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- حجم جامعه و نمونه مطالعاتی

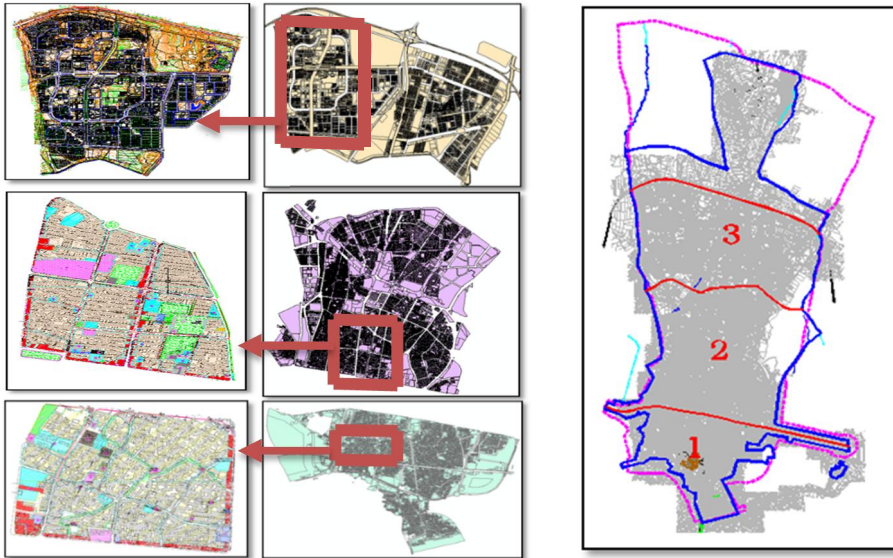
منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	
۱۲۱۳۳۹	۱۴۲۸۴۰	۹۱۱۵۹	حجم جمعیت (حجم جامعه)
ناحیه ۲ (۱۷۳۹۰)	ناحیه ۴ (۱۱۳۱۴)	ناحیه ۱۹ (۲۲۴۱۹)	حجم جامعه در نواحی مورد مطالعه
۳۷۲	۳۷۶	۳۷۸	حجم جمعیت (حجم نمونه)

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

برای توزیع پرسش‌نامه‌ها، با توجه به دوره‌های شکل‌گیری شهر قزوین و تقسیمات شهرداری قزوین به ۳ منطقه‌ی عمده شهری در هر منطقه متناسب با حجم جامعه و فرمول کوکران پرسش‌نامه‌ها به صورت تصادفی ساده توزیع گردیده است.

### ۴- شناخت عرصه پژوهش

شهر قزوین ترکیبی از بافت ارگانیک بر جای مانده از ادوار پیشین و بافت شطرنجی حاصل از توسعه‌های گذشته نزدیک و اخیر است. بدین ترتیب، بافت قدیمی شهر در جنوب، و بافت جدید و اصطلاحاً مدرن آن در محدوده‌های شمالی شهر واقع شده است. بافت میانی نیز در روند تغییر شکل شهر در محدوده‌ای بین دو بافت تاریخی و جدید شهر شکل گرفته است. در این پژوهش در راستای ارزیابی میزان عدالت جنسیتی در بهره‌گیری زنان از فضای شهری از هر یک از مناطق شهر قزوین محله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شده است که بیانگر ویژگی‌های بافت منطقه‌ی مورد نظر باشد. لذا در ادامه موقعیت هر منطقه و محله منتخب در آن نشان داده شده است:



تصویر شماره ۱- موقعیت محدوده‌های مطالعاتی در شهر قزوین  
 مأخذ: نگارندگان با تلخیص از مهندسين مشاور شهر و برنامه، ۱۳۹۴

## ۵- تحلیل یافته‌های پژوهش

### ارزیابی میزان عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری در شهر قزوین

جهت کمی نمودن مدل تجربی پژوهش، و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش مقیاس‌سازی استفاده شده است. همان‌طور که بیان گردید؛ مقیاس‌سازی در این پژوهش براساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت صورت گرفته است. به طوری که امتیاز ۱ نشان‌دهنده کمترین میزان رضایت ساکنین در مورد هر یک از سئوالات و امتیاز ۵ نشان‌دهنده بیشترین میزان رضایت است. بدین ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخها انتخاب می‌شود. ( $1 < X < 5$ )

برای مقایسه‌ی میانگین امتیاز عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری در سه منطقه‌ی شهر قزوین، ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها بررسی شد. برای این منظور از آزمون تک نمونه‌ای استفاده شده است. بر اساس نتایج این آزمون، داده‌های جمع‌آوری شده در هر سه منطقه از توزیع نرمال پیروی می‌کند. حال با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها در مناطق سه گانه برای مقایسه میانگین امتیاز از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده و نتایج آن در جدول ذیل به نمایش گذاشته شده است.

فرض صفر: میانگین در سه گروه با هم برابر است.

فرض مقابل: حداقل میانگین یکی از گروه‌ها با دیگری فرق دارد.

جدول شماره ۲ - نتایج تحلیل واریانس یک طرفه - مقایسه عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری در مناطق مختلف شهر قزوین

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	۷۹,۷۱۳	۲	۳۹,۸۵۷	۱,۴۳۵	...
Within Groups	۳۱,۲۴۴	۱۱۲۵	۰,۲۸		
Total	۱۱۰,۹۵۷	۱۱۲۷			

مأخذ: نگارندگان

با توجه به جدول فوق، در ستون آخر عدد ( $p < 0.05$ ) نشان می‌دهد که فرض صفر رد می‌شود و اختلاف بین میانگین در سه منطقه وجود دارد. اما با این آزمون مشخص نیست که میانگین در کدام مناطق و به چه صورت متفاوت است. برای اینکه تفاوت عدالت جنسیتی در هریک از معیارها به صورت دوجه دو بررسی شود، از آزمون مقایسه دودویی استفاده گردیده است. جدول ذیل نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳ - نتایج آزمون *LSD* - مقایسه عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری قزوین

	Code i	Code j	Mean Difference	Std. Error	Sig.	Lower Bound	Upper Bound
Tukey HSD	۱	۲	-.۶۴۷۸۲*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	-.۰,۶۷۶۳	-.۰,۶۱۹۳
		۳	-.۳۸۰۹۱*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	-.۴۰۹۴	-.۰,۳۵۲۴
	۲	۱	۰,۶۴۷۸۲*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	۰,۶۱۹۳	۰,۶۷۶۳
		۳	۰,۲۶۶۹۱*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	۰,۲۳۸۴	۰,۲۹۵۴
	۳	۱	-.۳۸۰۹۱*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	-.۰,۳۵۲۴	۰,۴۰۹۴
		۲	۰,۲۶۶۹۱*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	-.۲۹۵۴	-.۰,۲۳۸۴
LSD	۱	۲	-.۶۴۷۸۲*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	-.۰,۶۷۱۷	-.۰,۶۲۴۰
		۳	-.۳۸۰۹۱*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	-.۰,۴۰۴۸	-.۰,۳۵۷۱
	۲	۱	۰,۶۴۷۸۲*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	۰,۶۲۴۰	۰,۶۷۱۷
		۳	۰,۲۶۶۹۱*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	۰,۲۴۱۳	۰,۲۹۵۴
	۳	۱	-.۳۸۰۹۱*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	۰,۳۵۷۱	۰,۴۰۴۸
		۲	۰,۲۶۶۹۱*	۰,۱۲۱۵	۰,۰۰۰	-.۰,۲۹۰۸	-.۰,۲۴۳۱
*. The mean difference is significant at the 0.05 level.							

مأخذ: نگارندگان

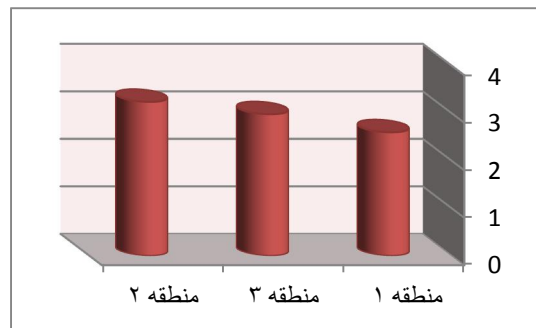
با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌شود که :

- میانگین عدالت جنسیتی در منطقه‌های ۱ و ۲ با هم اختلاف معناداری دارند. ( $p < 0.05$ )
- میانگین عدالت جنسیتی در منطقه‌های ۱ و ۳ با هم اختلاف معناداری دارند. ( $p < 0.05$ )
- میانگین عدالت جنسیتی در منطقه‌های ۲ و ۳ با هم اختلاف معناداری دارند. ( $p < 0.05$ )

با توجه به این مهم که مشخص شد، میزان عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری در مناطق مختلف شهر متفاوت می‌باشد، در ادامه به بررسی سطح و میزان عدالت در منظر ذهنی زنان در محدوده مطالعاتی به طور جداگانه پرداخته شده است و نتایج آن در ذیل به صورت نمودار و جدول به تصویر کشیده شده است:

جدول شماره ۴ - نتایج آزمون توکی - مقایسه میزان عدالت جنسیتی

	مناطق	N	Subset for alpha = 0.05		
			۱	۲	۳
Tukey HSD <sup>a</sup>	1	۳۷۶	۲,۶۰۰۶		
	3	۳۷۶		۲,۹۸۱۵	
	2	۳۷۶			۳,۲۴۸۴
	Sig.		۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰



نمودار شماره ۲ - رتبه بندی و مقایسه عدالت جنسیتی در مناطق مأخذ: نگارندگان

بدین ترتیب می‌توان با استفاده از نتایج به دست آمده، میزان عدالت جنسیتی را در سه منطقه شهر قزوین در سه گروه مجزا تفکیک کرد. به طوری که منطقه ۲ با بیشترین میزان رضایت‌مندی شهروندان در نسبت با سایر محلات دارای کیفیتی در حد متوسط می‌باشد و منطقه ۳ با ۲۰۹۸ امتیاز در رتبه‌ی دوم رضایت‌مندی قرار دارد؛ که البته این عدد به حد متوسط بسیار نزدیک است و منطقه ۱ با امتیاز ۲,۶۰ در رتبه‌ی سوم قرار گرفته است و سطح عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری در آن بافت در حد بد ارزیابی شده است.

برای به دست آوردن میزان عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری به صورت کلی و از دیدگاه زنان در شهر قزوین، از آزمون تک نمونه‌ای استفاده شده است. همان‌طور که در جدول ذیل ملاحظه می‌شود، میانگین امتیاز در شهر قزوین به صورت کلی ۲,۸۸۵۲ به دست آمد. این امتیاز در طیف لیکرت کمتر از عدد ۳ یعنی میانه نظری می‌باشد.

جدول شماره ۵ - نتایج آزمون تک نمونه‌ای - میزان عدالت جنسیتی شهر قزوین

One-Sample Statistics				
	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
عدالت جنسیتی	۳۷۶	۲,۸۸۵۲	۰,۲۷۰۸۵	۰,۰۱۳۹۷

مأخذ: نگارندگان

با توجه به نتایج جدول فوق ملاحظه می‌شود که بین میانگین امتیاز عدالت جنسیتی و عدد ۳ اختلاف وجود دارد. ( $p < 0.05$ ) بدین ترتیب می‌توان به این نتیجه رسید که میانگین امتیاز عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری در شهر قزوین به عدد ۳ بسیار نزدیک است. بدین معنا که از دید زنان به طور کلی در سطح متوسط ارزیابی شده است.

## ۶- ارائه راهبردهای ارتقاء توانمندسازی زنان

همان‌طور که بیان گردید، توانمندسازی تلاشی است تا افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها یا جوامع بتوانند قدرت به دست آورند. در این میان زنان به عنوان بخش عظیمی از جامعه شهری، می‌بایست توانمند شده تا بتواند استعدادها و توانایی خود را به منصفه بروز و ظهور رساند و به عنوان شهروند نقش خود را در اعتلای کیفیت محیط شهری بازی نماید. از این رو در فرایند تکمیل پرسش‌نامه‌های پژوهش و مصاحبه و هم‌زمانی با زنان در محدوده مورد مطالعه، به نکاتی رسیدیم که می‌تواند در توانمندسازی آنان بسیار حائز اهمیت باشد و به عنوان راهبردهای توانمندسازی زنان در راستای افزایش عدالت جنسیتی در بهره‌مندی از فضای شهری ارائه می‌گردد:

- نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورها: به خصوص باورهای مربوط به خود کارآمدی، خود ارزشی و احساس کنترل که بر فرآیند توانمندسازی اثرگذار است و می‌بایست این مهم هم در طراحی فضاهای شهری و هم در محیط‌های خانوادگی رشد و پرورش یابد تا حضور زنان به عنوان فرد مؤثر دیده شود.
- اعتباریابی از طریق تجارب مشارکتی: در این تجربه، فرد و دیگران در یک تجربه سهیم می‌شوند که به کاهش خود سرزنشی منتهی می‌شود. حضور زنان در کنار مردان در فضای شهری و تجربه مشترک از اتفاقات شهری به آنان حس تأثیرگذار بودن و توانایی قبول مسئولیت و حضورپذیری را القا می‌کند و به مرور زمان با تکرار اتفاقات شهری به این شکل، زنان نیز علاوه بر اینکه بر توانایی‌های خود آگاهی پیدا می‌کنند.
- دانش و مهارت عمل و تفکر نقادانه: از طریق حمایت و مشارکت متقابل، زنان می‌توانند پیرامون جنبه‌های درونی و بیرونی مشکل تفکر نقادانه داشته باشند. از این طریق زنان با

مطالعه و افزایش آگاهی و دانش خود پیرامون مسائل شهری و زندگی، می‌تواند قوه تفکر خود را بهبود بخشند و در مباحثه‌ها شرکت کنند و بسیار فعالانه در حوزه‌ی دانشی خود و کنش و واکنش‌های مباحثه‌ای شرکت نمایند.

- عمل کردن: از طریق عمل انعکاسی، زنان می‌توانند راهبردهای عملی، بسیج منابع و دانش و مهارت‌های مورد نیاز را برای تأثیر بر ساختارهای درونی و برونی ممکن سازند. در این وضعیت با همراهی و همکاری زنان با یکدیگر می‌توانند به خواست‌های خود جامعه عمل بپوشانند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله ابتدا بیان موضوع و دغدغه‌ای که در خصوص میزان عدالت جنسیتی در فضاهای شهری روبروی زنان به عنوان نیمی از شهروندان شهر قرار دارد، مطرح شد، و سپس مفاهیم و مبانی پژوهش در حوزه‌های فضای شهری، عدالت جنسیتی، زنان و نظریه سقف شیشه‌ای و در نهایت راهکارها و اصولی که در توانمندسازی زنان باید مد نظر باشد، بررسی گردید و در خصوص مورد پژوهی با بیان روش‌شناسی و شناخت عرصه پژوهش، توزیع پرسش‌نامه‌ها آغاز گردید. در تدوین سؤالات پرسش‌نامه‌ها به طور ضمنی به رویکرد سقف شیشه‌ای به عنوان عواملی که سبب محدودیت حضورپذیری زنان در فضاهای شهری می‌شود، توجه شده است تا بتوان میزان عدالت جنسیتی در بهره‌مندی زنان از فضای شهری در راستای رسیدن به راهبردهای توانمندسازی آنان سنجش شود. نتایج حاصل از ارزیابی نشان می‌دهد که در شهر قزوین به طور کلی میزان عدالت جنسیتی در سطح متوسط رو به پایین است؛ ولی این موضوع در مناطق مختلف شهر قزوین متفاوت است. منطقه یک شهر قزوین که به عنوان بافت قدیمی و جنوبی شهر هم شناخته می‌شود، پایین‌ترین سطح را به خود اختصاص داده و می‌توان این‌گونه بیان نمود که در این بافت برخی نگرش‌ها، هنجارها و باید و نبایدهایی برای زنان تعریف شده که آنان نسبت به حق خود برای حضور در شهر آگاهی پایین‌تری نسبت به سایر مناطق داشتند و همچنین در سؤالاتی که میزان مشارکت آنان در خصوص برنامه‌ها، جشنواره و رویدادهای شهری نیز پرسیده شده، میزان کمتری مشارکت داشته‌اند و از سوی دیگر محیط شهری نیز امنیت و راحتی و دسترسی لازم را برای بهره‌مندی آنان از امکانات و تہسیلات شهری نسبت به سایر مناطق کمتر فراهم کرده است. در منطقه دو شهر قزوین ه بافت پر و منطقه مرکزی شهر محسوب می‌شود، حضور زنان در ساعات مختلف شبانه روز پر رنگ تر دیده می‌شود و میزان عدالت جنسیتی در سطح متوسط قرار دارد و نسبت به سایر مناطق، سطح بالاتری دارد. در منطقه سه شهر قزوین که بافت نوساز شهر بوده و مسیر حرکت جمعیت و سکونت به آن



سمت در حال شکل‌گیری است، این میزان در سطح متوسط رو به پایین ارزیابی شده است که در طی مصاحبه‌های پژوهش بیشتر به سبب زمین‌های رها شده، یافت نیمه پر شهری و... حضور زنان تنها در بخشی از فضای شهری دیده می‌شود و عدالت جنسیتی در به طور نسبی رعایت شده است. امید است با بهبود و ارتقاء کیفیت محیط شهری برای حضورپذیری بیشتر زنان در محیط شهری و فراهم آوردن امکانات و تسهیلات ویژه برای آنان و از سوی دیگر توانمند شدن زنان نسبت به نقاط قوت و ویژگی‌های ذاتی خود و آگاهی آنان نسبت به حقوق شهروندی، شاهد رعایت عدالت جنسیتی و توانمندسازی زنان و فضای شهری به طور توأم با یکدیگر در شهرها باشیم.

## منابع و مآخذ:

۱. بحرینی، ح، طبیبیان، م، ۱۳۷۷، مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، فصلنامه محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱
۲. پرتو، پ، فراش‌خیابانی، م، ۱۳۹۷ زنان و فضای سوم، بازخوانی مفهوم حوزه عمومی در محدوده مرکزی شهر تهران، خیابان انقلاب، فصلنامه مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی زنان، دوره ۱۶، شماره ۳
۳. تولایی، ن، ۱۳۷۲، فضای شهری و روابط اجتماعی و فرهنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
۴. دادپور، ش، ۱۳۹۰، زنان در سطح نخبگان در امریکا، عوامل مؤثر در محدودیت مشارکت، فصلنامه میثاق مدیران، شماره ۴۹
۵. رفیعیان، م، ضابطیان، ا، بمانیان، م، ۱۳۸۸، سنجش عوامل مؤثر بر ارتقاء امنیت زنان در محیط‌های شهری، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳
۶. زعفرانچی، ل، ۱۳۸۵، زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه کشور، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره هشتم، شماره ۳۰
۷. سرمد، ز و حجازی، ع، ۱۳۸۱، روش تحقیق در علوم رفتاری، چاپ ششم، انتشارات آگاه، تهران، صفحه ۸۲
۸. سندل، م، ۱۳۹۳، عدالت: کار درست برای انجام دادن چیست، ترجمه محمدرضا فرهادی پور، تهران، آشتیان
۹. شادی طلب، ژ، ۱۳۸۱، توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران، قطره
۱۰. شکوری، ع، رفعت جاه، م و جعفری، م، ۱۳۸۶، مؤلفه‌های توانمندسازی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۱، دوره ۵
۱۱. صالحی، ا، ۱۳۸۷، ویژگی‌های محیطی فضای شهری امن، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی، تهران
۱۲. علی محمدی، ش و پوررستم، ع، ۱۳۹۰، کاربرد SPSS در برنامه‌ریزی شهری، بیست و چهارمین دوره آموزشی و کارگاه تخصصی جامعه مهندسان شهرساز، تهران، صفحه ۲۸
۱۳. عباس زاده، س، ۱۳۹۴، بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعه کشور پیرامون دستیابی به عدالت جنسیتی با تأکید بر آموزش عالی زنان در ایران و مقایسه آن با وضعیت جهانی، فصلنامه پژوهش‌نامه زنان، شماره اول، سال ششم

۱۴. عباس‌زاده، س، ۱۳۹۰ و همکاران، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر راهکارهای بومی، همایش ملی توانمندسازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی(ره)

۱۵. غنام، ف، ۱۳۹۲، بیرونی و اندرونی، ترجمه رفعت شمس، فصل‌نامه زن نگار شماره ۱۲

۱۶. کاشانی‌جو، خ، ۱۳۸۹، بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، فصل‌نامه هویت شهری، بهار و تابستان، دوره ۴ شماره ۶

۱۷. کتابی، م، ۱۳۸۲، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصل‌نامه پژوهش زنان، دوره ۱، سال سوم، شماره ۷

۱۸. گلچین، م؛ مفاخری، ص، ۱۳۹۶، خوانایی محیطی و حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهر تهران، فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناسی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۷، شماره ۲۲

۱۹. گرامی‌زادگان، ا، ۱۳۸۳، حقوق زنان در برنامه‌های توسعه شهری، فصل‌نامه حقوق زنان، دوره سوم، شماره ۲۵

۲۰. مدنی‌پور، ع، ۱۳۷۹، طراحی فضاهای شهری، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران

۲۱. مک‌داول، ال، ۱۳۹۲، جداسازی جنسیتی در فضاهای شهری، ترجمه پرتو فرهودی، نشریه زن‌نگار، شماره ۱۲

۲۲. مهندسین مشاور شهروبرنامه‌۱۳۸۹، طرح جامع و تفصیلی شهر قزوین، خلاصه گزارش‌های مطالعات طرح تفصیلی شهر قزوین

۲۳. نوربرگ‌شولتز، ک، ۱۳۸۱، مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی، تدوین محمود امیریان احمدی، انتشارات آگاه، تهران

۲۴. هانت، ژ، ۱۳۸۸، جنسیت و توسعه، ترجمه مهدی نیاکانی فر، مطالعات زنان، شماره ۴۲

25. Lombardo, E. & P. Meier & M. Verloo, 2009, The Discursive Politics of Gender Equality (Stretching, Bending and Policymaking), London: Routledge.

